



خطرات مباشر انگلیسی سردار اکرم،

نویسنده فرانسیس فوربزلیث

(۶)

فصل چهارم

میراث سردار اکرم - دهقانان - دژ فرماندهی ما در لیت گاه - مباشران
ظالم - روش زراعت ابتدائی - فساد و حقه بازی - سهم مالکانه - روش
ملوك الطوائفی - ارتش کوچک ما

دنباله فصل سوم:

لباس دهقانان در عین سادگی بسیار جالب توجه است: در مردان؛ لباس شامل یک شلوار فراخ از پارچه نخی آبی رنگ است با لنگ‌های گشاد و چون معمولاً انتهای شلوار تا زمین در حدود ۱ اینچ فاصله دارد لذا برهم چین می‌خورد و مثل آنست که در اثر شستن، آب رفته و چروک خورده باشد. یک سدره چین دار بلند شبیه «فراک» نیز می‌پوشند که مجموع این کت و شلوار، همراه یک کلاه گرد بدون لبه و زبر، پوشاک یک مرد دهاتی را تشکیل میدهد. زنان روستائی یک دامن کوتاه چین دار می‌پوشند که تقریباً تا پائین زانو می‌رسد و پیراهنی گشاد بر تن میکنند. پارچه آنها معمولاً رنگ روشن دارد. سر خود را بایک چارقد می‌پوشانند که دنباله آنرا زیر چانه گره می‌زنند ولی هیچگاه مثل خواهران شهری خویش، چهره خود را نمی‌پوشانند، زنان شهری معمولاً خود را در چادری سیاه می‌پوشانند که تمام بدن آنها را در بر می‌گیرد. و روبنده‌ای سفید و نیمه حاجب بر چهره می‌آویزند. پیدایش

* آقای دکتر حسین ابوترابیان از ترجمانان پژوهندگان معاصر.

دامنه‌های کوتاه چین دار در ایران، به چهل سال قبل می‌رسد یعنی موقعیکه ناصرالدین شاه از مسافرت اروپا بازگشت. او در دیدار تماشاخانه سلطنتی لندن بقدری از رقاصه‌های آنجا خوشش آمد که فی‌المجلس علاقه خود را برای آوردن آنان به حرمسرای خودیش به مدیر تماشاخانه گفت و حتی خواست مبلغ لازم برای اینکار را نیز بپردازد. ولی موقعیکه متوجه غیرعملی بودن این تقاضا گردید خیلی ناراحت شد ولی چون این زیبارویان و لباسهایشان در شاه خیلی اثر کرده بود، موقع بازگشت به ایران فرمانی صادر کرد و دستور داد که لباسهایی مطابق آنچه رقاصه‌های تئاتر سلطنتی لندن پوشیده بودند، مورد استفاده زنان ایرانی قرار گیرد.

البته این رسم در حال حاضر از میان رفته و جز در میان زنان روستاهای شمال ایران که دامنه‌های چین‌داری درست شبیه آنچه در تماشاخانه‌های «میدان لستر»^۲ لندن می‌پوشند دیده نمی‌شود.

«لت گاه» که مرکز فعالیت ما شمرده می‌شد منطقه‌ای باصفا بود که حضرت‌الا پسر سردار اکرم^۴ در آنجا خانه‌ای بسیار زیبا و مجلل شبیه یک قصر ساخته بود این ساختمان در کمال مهارت و استادی، فقط با آجر بنا شده بود که در ایران کاری پرخرج و اصراف‌یست. اطراف این عمارت را هم بادیواری عظیم از خشت محصور کرده بودند که رویهمرفته یک دژ مستحکم شباهت داشت. این دیوار با ۲۵ فوت (۷/۵ متر) ارتفاع بقدری پهن ساخته بود که یک کالسکه می‌توانست به آسانی در روی آن حرکت کند. در محوطه داخل این حصار که رویهمرفته در حدود سیصد یارد مربع^۵ وسعت داشت؛ منزل اصلی، اصطبلها، اسلحه‌خانه و مسکن خدمه‌ها قرار گرفته بود و راه ورود آن نیز فقط از طریق یک دروازه بزرگ امکان پذیر می‌شد این دروازه دائماً تحت نگهبانی قراولان قرار داشت. در سراسر دیوار محیط منزل هم، بفاصله هر ۴۰ یارد، مزغل‌هایی برای تیراندازی ساخته شده بود. «لت گاه» مرکز مجموعه‌ای متشکل از ۵ روستا شمرده می‌شد که تمام آنها در شعاع تقریباً ۱۰ میلی آن قرار داشت. دورترین روستای متعلق به سردار در حدود ۷۰ میلی «لت گاه» و در دامنه یک کوهستان بود که برای دسترسی با آنجا باید سه روز با اسب حرکت کرد. افراد این روستا در زمان جنگ و قحطی بعلت اینکه از تابعیت سردار سر باز زده بودند و ادعای استقلال داشتند، خیلی باعث دردسر او را فراهم کردند. توجه و رسیدگی باین املاک عریض و ملویل برای سردار کاری فوق‌العاده طاقت فرسا و مشکل بود، چون او بهیچوجه به دست کشیدن از زندگی مجلل خود در پایتخت و قمار بازی در باشگاهها و شرط بندیهای کلان حاضر نبود و این کارها را بر مواظبت از املاک و رسیدگی به وضع رعایای خود ترجیح میداد. بیشترین علاقه‌ای که سردار به املاک خود نشان میداد، این بود که بطور استثنا

دوهفته را بعنوان گذراندن تعطیلات به لت گاه بیاید و وقت خورا برسدگی املاکش صرف کند ولی آنطور که معلوم بود؛ انجام این کار برایش عذابی فراوان به همراه داشت.

در نتیجه غیبت‌های طولانی سردار، تمام کارهای او در دست یکمده از مباشران ظالم افتاده بود که جز کش رفتن از درآمد ارباب و مکیدن خون رعایای بدبخت و ظلم و جور بآنان کاری نداشتند، البته تعجب آور نبود اگر این گونه افراد، در غیاب مالک و بی توجهی او، روز بروز گردنشان کلفت تر شود. سردار اکرم چون از آمدن من باین انگلها قبلاً خبری نداده بود، لذا ورود من به لت گاه باعث بهت و آشفتگی شدید آنان شد و بطوریکه بعداً شنیدم؛ بمجرد اینکه پای من به آنجا رسید، عده‌ای از آن مفت خوران دورهم جمع شدند و تلگرامی بالابند برای سردار فرستادند و در آن بصورت عرض حال و التماس از او خواهش کردند اجازه ندهد يك افسر انگلیسی به سرپرستی آنان منصوب شود، و مخصوصاً این حقیقت را با آب و تاب فراوان به او یاد آور شدند که من مسلمان نیستم! البته علت اساسی جبهه گیری آنان در مقابل من این بود که احتمال میدادند از دله دزدی‌های خود آنان جلو خواهم گرفت. ولی سردار در جواب بآنان دستور اکید داد از من اطاعت کنند و مخصوصاً امرداد منزل شخصی او را برای زندگی من آماده سازند.

منزل سردار واقعاً زیبا و تنها عمارت سه طبقه‌ای بود که در شعاع صد میلی آن منطقه وجود داشت. این منزل دارای اطاقهای بزرگ و جالب توجه بود و خیلی وسیعتر و جادارتر از حد لزوم بنظر میآمد. طبقه بالای آن يك رواق سرتاسری به پهنای ۱۵ فوت داشت که بطریقی بسیار جالب در هر سو بنظر میآمد. این عمارت درست در وسط دشتی قرار داشت که مساحت آن در حدود ۵۰ میل مربع تخمین زده میشد. پانزده میل دورتر از آن قله الوند در ارتفاع ۱۴ هزار پائی قرار داشت که در دامنه آن شهر کوچک و زیبای همدان (اکباتان سابق) قرار گرفته است و اطراف این دشت را جنگلی از درختان تبریزی و سرو پوشانده بود.

در این منطقه آثاری از کاخ معروف «هفت قلعه» خشایار شاه وجود دارد که در زمان حمله اسکندر به ایران، مقر فرماندهی تابستانی او شده بود.

در چهار میلی شمال محوطه منزل سردار جاده جدیدی قرار داشت که بسویله مهندسان نظامی انگلیس برای ارتباط همدان تا تهران بطول ۲۵۰ میل احداث شده بود و در قسمت جنوب آن منظره جالبی از کوه «آوج» بچشم میخورد که در ۵۰ میلی ما است. هوای اطراف ما بقدری صاف و روشن بود که اغلب، گرد و خاک اتومبیل دوستانی را که از شهر برای ملاقات ما میآمدند در فاصله ۱۱ میلی بخوبی میدیدیم و حتی يك يك

دوربین چشمی قوی میتوانستیم تعداد کسانی را که بقصد ملاقات ما میآمدند در داخل اتومبیل بشماریم و قبل از ورودشان ، درست به تعداد مهمانان گیلان و نوشابه و صندلی در اطراف میز غذا بنهیم و این عمل باعث حیرت فراوان آنان میشد.

رویه مرفته زندگی در این محیط بسیار لذت بخش بود و برای ما که به مدت ۵ سال از ناراحتیها و شکنجههای جنگ فرسوده شده بودیم ، نعمتی بشمار میآمد .

ادامه دارد

- ۱ - شاهانه
- ۲ - موافق نام ناصرالدین شاه را اشتیاقاً مظفرالدین شاه نوشته است . و باید دانست که ناصرالدین شاه از سفر فرانک دامن فتردار را بایران آورد نه دامن چین دار .
- ۳ - Leicester Square
- ۴ - امیر نظام
- ۵ - مؤلف حتماً اشتباه کرده و منظورش ۳۰۰۰ یارد مربع بوده که تقریباً ۲۵۰۰ متر مربع میشود .

راه رستگاری

سراستدر نیاری بسدام بسلا	چو خواهی که بایی زهر بدرها
نکونام باشی برکردگار	بوی در دوگیتی ز بدرستگار
دل از تیرگیها بدین آبشوی	بگفتار یغمیوت راه جوی
ره رستگاری بیایدت جست	ترا دین و دانش رهاند درست
ترا دشمن اندر جهان خود دل است	دایت گزیراه خطاهایست
که بانیکنایان شوی هم نورد	همه نیکیت باید آغاز کرد
نکوئی گزین وز بدی شرم دار	نکوئی بهر جا چو آید بکار

«از شاهنامه حکیم فردوسی طوسی»